

## ارزیابی کیفی طراحی عناصر اصلی ساخت فضایی شهرها در شهرهای ایرانی-اسلامی (مورد شناسی: کلان شهر تبریز)

محمود محمودی نژادی (دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران)

بختیار عزت‌پناه\* (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران)

کریم حسین زاده دلیر (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران)

### چکیده

شهرها بزرگ‌ترین مظاهر تمدن بشر بوده که در طول تاریخ همواره از عوامل متعددی چون دین و مذهب متأثر شده‌اند. در این میان دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده؛ چراکه اساساً در شهر نمود یافته و توسعه آن نیز از طریق توسعه و ساخت شهرها بوده‌است. گسترش اسلام به سوی ایران و ادغام فرهنگ و معماری ایرانی با اصول اسلامی منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از شهرسازی و معماری با عنوان «شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی» شد که بر پایه‌های مستحکمی بنا شده‌بود. امروزه شاهد کم‌رنگ شدن این سنت‌ها بوده و شهرها با فاصله‌گیری از معیارهای مثبت پیشین، شکل، فرم و عملکرد اصلی‌شان را از دست می‌دهند. این پژوهش با هدف ارزیابی روند تحولات کالبدی و کیفیت طراحی عناصر ساخت اصلی شهر ایرانی-اسلامی و رتبه‌بندی آن‌ها در شهر تبریز صورت گرفته‌است. پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز مبتنی بر روش‌های اسنادی و پیمایشی است. بدین ترتیب، داده‌های تحقیق از دو گروه جامعه آماری (۲۸ نفر از مدیران و کارشناسان و نخبگان امور شهری) جمع‌آوری شد. برای شناسایی و تحلیل شاخص‌های کیفی طراحی شهرسازی ایرانی-اسلامی از مدل فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) و نرم‌افزار Super Decision استفاده شده‌است. بر پایه نتایج به دست آمده، زیرمعیارهای زیبایی بصری، هویت و حس تعلق، کارایی، ارزش‌های معمارانه و خوانایی به ترتیب با وزن نهایی ۰،۶۴۹، ۰،۴۸۹، ۰،۳۵۷، ۰،۲۷۸ و ۰،۲۶۳ دارای بیشترین وزن نهایی هستند. همچنین با مقایسه میزان ارجحیت معیارهای اصلی به این نتیجه رسیدیم که معیار عملکرد با وزن ۰،۷۳۰ بیشترین وزن و سپس معیار فرم با ۰،۱۸۸ در رده دوم و معیار معنا با ضریب ۰،۰۸۰ در رتبه آخر قرار دارد. نتایج محاسبات حاکی از آن است که سطح شاخص‌های کیفیت محیط همانند زیبایی بصری در بُعد فرم، کارایی، خلوت، دسترسی، فضای سبز و تنوع در بُعد عملکرد و امنیت، آسایش و خوانایی در بُعد معنا ارتقا یافته، اما شاخص‌های دیگری همانند ارزش‌های معمارانه و مقیاس انسانی در بُعد فرم و تعاملات اجتماعی، مشارکت و سرزندگی در بُعد عملکرد و هویت و حس تعلق و خودنمایی و دنجی بودن محیط در بُعد معنا تضعیف شده‌اند. در نهایت و پس از وزن‌دهی چک‌لیست‌های دودویی طراحی شهری، وزن نهایی عناصر اصلی شهرسازی ایرانی-اسلامی تبریز به لحاظ کیفیت محیط براساس مدل تحلیل شبکه‌ای ارائه شد که براساس نتایج آن، عناصر باغ‌ها، مدارس دینی، بازار و ارگ به ترتیب با وزن‌های ۰،۰۶۵، ۰،۰۴۶، ۰،۰۴۳ و ۰،۰۳۷ در رتبه‌های اول تا چهارم قرار دارند.

تاریخ دریافت: ۷ مرداد ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۸

صفحات: ۲۷-۴۸



کلید واژه‌ها:

شهر ایرانی-اسلامی، شاخص‌های کیفیت محیط، مدل فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP)، شهر تبریز.

\* نویسنده مسئول: دکتر بختیار عزت‌پناه

پست الکترونیک: Dr\_bezatpanah@yahoo.com

## مقدمه

شکل‌گیری شهر یا هر مجتمع زیستی دیگر عمدتاً متأثر و منبعث از عوامل متعددی است که یکی از بنیادی‌ترین آن‌ها جهان‌بینی و تفکر آن‌هایی است که آن را برای زیست خود می‌سازند. شهرها و محیط زندگی مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نیست و در فرایند شکل‌گیری آن‌ها، تفکر و اصول اسلامی تأثیر بنیادین داشته‌است (تقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۶). رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به مجتمع‌های زیستی مسلمانان به ویژه «شهر اسلامی» نامیده‌شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا مسلمان‌نشین با این فرض که این شهرها از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و به این ترتیب از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز هستند، از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقین آغاز شد. از آن دوران به بعد، این تعبیر که به شهرهای ساخته‌شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به‌مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تتبعات شهری که به بررسی سکونتگاه‌های مسلمانان می‌پرداختند - بر این اساس که با حریم فیزیکی یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه و فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند - با معرفی خاورشناسان، در ادبیات غرب تثبیت شد (تقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴)؛ بنابراین می‌توان گفت شهرهای واقع در کشورهای مسلمان طی قرون متمادی، تسلط مسلمانان بر مبنای اصول و تعالیم اسلامی شکل گرفته‌است. این شهرها عمداً به دو دسته عمده قابل تفکیک هستند؛ شهرهای به‌جای‌مانده از تمدن قبل از اسلام و شهرهای ایجادشده در دوره اسلامی. در هر حال شهر اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که ساختار و استخوان‌بندی آن به شیوه‌های مختلف از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده‌است. در همین ارتباط عناصر کالبدی - فضایی شهرهای ایرانی - اسلامی متناسب با بسترهای فرهنگی

و ارزش‌های دینی و همچنین مبانی فکری و مبادی صوری برخاسته از اندیشه‌ها، اسطوره‌ها و یادمان‌های ایرانی شکل گرفته و بدان‌ها هویت بخشیده‌اند (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

شهرهای کهن ایران به زیباترین وجه، بیانگر هویت کالبدی و بصری برای درک کارکردهایشان بوده‌اند؛ ولی امروزه منظر شهرها و عناصر کالبدی آن‌ها فاقد چنین هویتی هستند؛ به عبارت دیگر، سیمای بیرونی عناصر شهرهای معاصر، انعکاس‌دهنده هویت ساکنان آن‌ها نیست و چنین به نظر می‌رسد که هیچ تلاش آگاهانه و هدفداری به‌منظور هویت‌بخشی به آن‌ها صورت نپذیرفته است. در این شهرها، بسیاری از نشانه‌ها و نمادهای هویت فرهنگی یا به کلی از بین رفته‌اند یا به شدت کمرنگ شده‌اند (کریمیان، ۱۳۸۹: ۱۱). در دهه‌های اخیر با ورود الگوهای طرح‌ریزی جامع و سایر عناصر وارداتی شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری مدرن، بسیاری از ساختارهای فضایی شهر کهن ایرانی - اسلامی دچار دگرگونی و تغییرات فراوانی در ابعاد عملکرد، فرم و معنا شده‌اند که این تغییرات کیفی و کمی با به‌چالش کشیدن هویت شهری در این فضاها همراه شده‌است.

آنچه به هویت معماری و شهرسازی اسلامی ما شکل می‌دهد، متأثر از اسلام به‌عنوان تمدن است؛ از این رو هویت شهر اسلامی به‌عنوان مجموعه کاملی از الگوهای غیرمدرن، ورای اختلاف‌های زمانی و مکانی و فرهنگی قابل‌شناسایی است (افشارنادری، ۱۳۷۵: ۴۹) و شناخت رهنمودها و اصول بنیادی اسلامی در شهرسازی اسلامی می‌تواند راهکاری برای طراحی فضاهای مختلف در شهرسازی امروز باشد (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۱). بی‌شک بدون شناخت یک پدیده، امکان مداخله در راستای بهبود آن میسر نخواهد بود. بر این اساس، ارائه هر گونه راهکاری در جهت برون‌رفت از بی‌هویتی معماری و شهرسازی تنها از طریق شناخت

حیات آن‌ها، یکی از دغدغه‌های متفکران بوده‌است. بر این اساس در دهه‌های اخیر استفاده از اصطلاح «شهر اسلامی» بحث‌های گوناگونی را برانگیخته و از آن در مباحث و مفهوم هویت و کالبد شهرها بارها مورد توجه قرار گرفته‌است. موضوع مطالعه هویت ایرانی-اسلامی شهرهای کشور از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده‌است. در دوره اخیر در چند مطالعه سطحی و در قالب مقالات علمی یا کتاب‌هایی کم‌حجم مطالعاتی صورت گرفته‌است؛ باین‌حال اغلب مطالعات صورت گرفته که به طبع چاپ و نشر رسیده‌اند، به‌صورت ترجمه‌ای و با محوریت شهرهای عربی-اسلامی عرضه شده‌است. در یک مطالعه جامع توسط نگارنده تا سال ۱۳۹۰، سی‌ویک کتاب فارسی در مقوله «شهر اسلامی» ارائه شده‌است که از این میان ۲۰ عنوان آن توسط پژوهشگران داخلی تألیف و ۴ عنوان توسط محققان عمدتاً غربی و ۷ عنوان توسط نویسندگان عرب تألیف و سپس به فارسی ترجمه شده‌اند. تعداد ۷ عنوان کتاب به زبان عربی و ۱۰ کتاب لاتین بدون ترجمه در دسترس علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی نیز وجود داشته‌است. با نگاه جامع به این آثار و دیگر مطالعات صورت گرفته به‌صورت مقالات علمی و رساله‌های دانشجویی و طرح‌های ویژه که در کلیت موضوعی خود متأثر از آثار چاپ شده به‌صورت کتب هستند، شاهد سه دوره مهم در پرداختن به مقوله مطالعات شهر اسلامی در داخل کشور هستیم:

رویکرد اول، نگاه پژوهشگران کشور به ویژگی‌ها و تاریخ و عناصر دینی پدیده‌های جغرافیایی و معماری داخلی و از آن جمله شهرهای اسلامی کشور و تأثیرپذیری آن‌ها از شرایط خاص دوره خود بوده‌است و در این راستا شاید اولین اثر ارائه شده به سال ۱۳۵۳ توسط احمد اشرف و با عنوان «ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی» باشد که به رشته تحریر درآمده‌است. سپس محمد مهدی پوستین‌دوز با

وضع فعلی و تطابق آن با چشم‌انداز آینده ممکن خواهد بود. برای این امر باید تلاش کرد تا با شناسایی وضع فعلی شهرسازی به چرایی و آسیب‌شناسی روی‌دهی این وضع پرداخت و با دیدی راهبردی، امکان مداخلات مطلوب در ساختار شهر و شهرسازی را فراهم کرد که این امر به برون‌رفت از بی‌هویتی موجود منجر می‌شود؛ از این‌رو و با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر گام به عرصه تحقیق گذاشته است و بر آن است که به شناسایی و آسیب‌شناسی عناصر کالبدی-فضایی هویت‌ساز در شهرهای ایرانی-اسلامی و نقش مدیریت شهری و ضوابط و مقررات شهری در این زمینه بپردازد.

شهر تبریز از کلان‌شهرهای بزرگ کشور محسوب می‌شود که سابقه آن به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد و در مقطعی از تاریخ ایران به‌عنوان پایتخت و شهری اثرگذار در دنیای اسلام مطرح بوده‌است. در این شهر عناصر کالبدی ایرانی-اسلامی با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده و تحولات ساختاری و عملکردی مختلفی را برحسب شرایط گوناگون تجربه کرده‌است؛ به‌طوری که امروزه این شهر با افزایش نابسامانی‌هایی در سیمای شهری، ساخت و تولید عناصر معماری فاقد هویت یا غیربومی و حتی در مواردی، متضاد با فرهنگ سنتی جامعه تبریز، عدم‌شناخت نسبت به عناصر معماری-اسلامی و تخریب و نابودی روزافزون آن‌ها و... روبه‌رو شده‌است. در این تحقیق سیر این تحولات کالبدی-فضایی و رتبه‌بندی عناصر اصلی ساخت فضایی شهرسازی ایرانی-اسلامی شهر تبریز مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

## چهارچوب نظری تحقیق

### الف- پیشینه تحقیق

ابراز ناخرسندی از وضعیت شهرسازی و فرهنگ حاکم بر آن در شهرهای اسلامی و لزوم توجه به تجدید

نشر اثر خود با عنوان «گامی به سوی معماری الهی» در سال ۱۳۵۷، متأثر از شرایط اجتماعی-سیاسی و فرهنگی دوره خود، نقبی بر ارتباط معماری و عناصر آن با مفاهیم و ارزش‌های دینی و تأثیرپذیری از آن‌ها زده‌است. محمدآبادی باوایل در سال ۱۳۵۸ با نشر «ظرائف و طرائف یا مضاعف و منسوب‌های شهرهای اسلامی و پیرامون آن‌ها» سعی کرده با نگاهی جامع به شهرهای اسلامی، روند رویکرد داخلی متأثر از شرایط موجود کشور پس از انقلاب اسلامی را پی‌بگیرد. در این دوره مقالات بسیاری محدودی ارائه شده که عمدتاً به‌صورت ترجمه‌ای بوده‌است؛ ازجمله: مقاله حسن ریاضی در سال ۱۳۵۰ با عنوان «ماهیت شهرسازی اسلامی: پرسپکتیو تاریخی» ترجمه صدیقه اشرفی که ترجمه‌ای است از نشریه «Ekistics» و مقاله محمد العل سیناسور باعنوان «طی هزاران سال شکوفایی شهرهای عرب» که دی ۱۳۵۶ و در نشریه «پیام یونسکو» چاپ شده‌است.

رویگرد دوم، نگاه پژوهشگران داخلی به آثار و تحقیقات صورت‌گرفته در دیگر کشورها بوده‌است. با نگاه به تاریخ نشر آثار ارائه‌شده درمی‌یابیم که از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ در فرایند مطالعات شهر اسلامی یک توقف و رکود نسبتاً کاملی وجود داشته که این رکود شاید متأثر از شرایط ویژه کشور در دوره دفاع مقدس بوده‌است. اگر از دو مقاله عباس سعیدی‌رضوانی با عنوان «مقدمه‌ای بر جغرافیای کشورهای اسلامی» به سال ۱۳۶۵ و «بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی» به سال ۱۳۶۶ که هر دو در فصلنامه «تحقیقات جغرافیایی» چاپ شده و خود مقدمه چاپ کتاب ایشان در سال ۱۳۶۸ با عنوان «بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی» بوده بگذریم، شاهد شروع دوره نگاه پژوهشگران داخلی به آثار نویسندگان غربی و عربی در پژوهش، از دیگر شهرهای اسلامی و تجارب مطالعات

آن‌ها هستیم. محمدحسین سلیمی و منیژه اسلامبولچی به سال ۱۳۶۹ با ترجمه و چاپ اثر نجم‌الدین بمت با عنوان «شهر اسلامی» و همچنین حسین سلطان‌زاده با ترجمه اثر آندره ریمون با عنوان «شهرهای بزرگ عربی-اسلامی» به سال ۱۳۷۰ آغازگر روندی بوده‌اند که طی دهه ۷۰ شمسی در این حوزه و با ترجمه و چاپ نمونه آثار زیر ادامه یافت:

- کوفه: پیدایش شهر اسلامی؛ هشام جعیت. (۱۳۷۲). ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- مدینه اسلامی: محمدعثمان عبدالستار. (۱۳۷۶). ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی؛ بسیم سلیم حکیم. (۱۳۸۳). ترجمه محمدحسین ملکاحمدی و عارف اقوامی مقدم. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی؛ جلد دوم: شهرهای اسلامی خاورمیانه و امپراطوری اسپانیا؛ جیمز موریس. (۱۳۸۱). ترجمه راضیه رضازاده. تهران: مهندسان مشاور فجر توسعه.

- شهرنشینی در اسلام: ۳ جلد؛ مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه (توکيو). (۱۳۸۳). ترجمه مهدی افشار. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- تاریخ شهرنشینی جهان اسلام؛ پائلو کوننو. (۱۳۸۴). ترجمه سعید تیزقلم زنوزی. تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری.

همین روند نگاه به تجارب جهانی مطالعات شهر اسلامی، با وسعت بیشتری در این دوره در آثار به‌چاپ‌رسیده به‌صورت مقالات علمی دیده می‌شود و این در حالی است که در برخی مقالات علمی این دوره (به‌لحاظ تاریخ چاپ آن‌ها) روند بازبینی و نگاه دوباره به مطالعات شهرهای کشور با رویکرد ایرانی-اسلامی دیده می‌شود و این خود مقدمه و درآمدی بر ارائه آثار

جامع و کتب مهم رویکرد بعدی در فرایندها مطالعات داخلی شهر اسلامی بوده است. رویکرد سوم، مطالعات دوباره مفاهیم و الگوها و تجارب شهر اسلامی و بازآفرینی و تطابق آن با شهرهای کشور و نهایتاً ارائه الگوی بهینه در تحقق شهر ایرانی-اسلامی است. اغراق نخواهد بود اگر مطالعات و پژوهش های دکتر محمد نقی زاده در دانشگاه اصفهان را در شروع و تکوین این رویکرد مؤثر بدانیم. ایشان در سال ۱۳۸۴ و بعد از سال ها مطالعه در این مقوله و ارائه مقالات متعدد علمی خود با نشر اثر «فهرست موضوعی کلام الهی در زمینه شهرسازی، معماری، هنر، محیط زیست و علوم اجتماعی» مبنای توجه و نگاه ویژه به مطالعات شهرهای اسلامی از وجوه مختلف را فراهم کردند و در اثر بعدی به تبیین مبانی نظری آن می پردازد و آن را با عنوان «معماری و شهرسازی اسلامی: مبانی نظری» در سال ۱۳۸۵ چاپ کرده و سپس با اثر «شهر آرمانی اسلامی یا فضای حیات طیبه: بایسته های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی» در سال ۱۳۸۹ گام های بسیار قوی در زمینه ارائه الگوی مناسب در تحقق شهر ایرانی-اسلامی و توسعه آن برداشت. علاوه بر این، نتایج مطالعات وسیع دکتر محمد نقی زاده حاکی از آن است که شهر اسلامی در واقع وجود داشته است و در دوره معاصر نیز به حیات خود ادامه می دهد. هرچند در برخورد با پدیده مدرنیزاسیون به نفع عرصه های مدرن و منطبق با شرایط زیستی معاصر تغییر یافته و عقب نشسته است؛ اما حیات آن به ویژه در حوزه ایرانی-اسلامی آن همراه با بازآفرینی اصول و آموزه های آن به خصوص با تغییرات در قوانین و مقررات طرح های در حال اجرای شهری قابل تجدید حیات اساسی است. در خلال مطالعات ایشان، دو اتفاق نیز بر فرایند بازآفرینی مفاهیم شهر اسلامی با الگوهای داخلی توسعه مؤثر واقع شد؛ ابتدا برگزاری نخستین همایش بین المللی

«آرمان شهر اسلامی» در سال ۱۳۸۷ در اصفهان و چاپ مجموعه مقالات آن و دومی انتشار اثر «آیین شهرداری از دیدگاه مقام معظم رهبری» به سال ۱۳۸۷ بود که این نوع رویکرد به معماری و شهرسازی کشور و اثرات آن در تعیین آیین نامه ها و ضوابط و مقررات شهرسازی و اجرای آن ها توسط دست اندرکاران را توصیه می کرد. این دو اتفاق به همراه پژوهش های دکتر نقی زاده باعث شد در کنار آثار ترجمه ای و چاپ شده ای نظیر «شهر اسلامی» اثر جعفر مرتضی عاملی در سال ۱۳۸۸ و «اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام» اثر هشام مرتضی به سال ۱۳۸۷، موجی از توجه و نگاه پژوهشگران دانشگاهی و دستگاه های اجرایی به مقوله شهر ایرانی-اسلامی جلب شود. حتی اثرات این موج به طراحی و تدوین برخی طرح ها و برنامه ها منجر شد؛ از جمله اثر محمد هادی مؤذن جامی «طراحی نقشه فرهنگی شهر تهران براساس ارزش های اسلامی» در سال ۱۳۸۹ و بسیاری از مقالات علمی و رسالات دانشجویی که در این زمینه ارائه می شدند. تحقیق نگارنده نشان می دهد هم اکنون در سال ۱۳۹۸ به یقین آمار ارائه مقالات علمی در این خصوص از ۲۰۰ مقاله افزون است و رسالات دانشجویی ارائه شده در ۱۰ سال اخیر به بیش از ۱۰ رساله تحصیلات تکمیلی رسیده است. رویکرد طراحی و تحقق پذیری مفاهیم شهر ایرانی-اسلامی از سال ۱۳۹۰ به بعد تا جایی گسترش یافته است که مراکز تحقیقاتی بزرگ کشور نیز لزوم آن را درک کرده و به آن اهمیت می دهند، به عنوان نمونه پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی از بهار ۱۳۹۰ به نشر فصلنامه تخصصی در این حوزه با عنوان «مطالعات شهر ایرانی-اسلامی» پرداخته و تاکنون ۲۷ شماره از آن با دارا بودن پژوهش ها و مقالات درخوری با درجه علمی-پژوهشی به چاپ رسیده و در اختیار علاقه مندان و اندیشمندان آن قرار گرفته است. در بین منابع لاتین و

داشتند. بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل گرفت و تا قرن‌ها به حیات خویش ادامه داد. به‌رحال شهر اسلامی در یک کلام، شهر تجلی اسلام است. شهر مناسب زیستن انسان مؤمن، شهر اسلامی برای تجلی‌بخشیدن به ارزش‌های مورد احترام جامعه مسلمانان، به‌طور مداوم راه‌ها و روش‌های مناسب زمان و مکان را می‌جوید و تضمین بهره‌جویی از دستاوردهای علوم، فنون، تجارت تمدن‌ها و جوامع بشری (در گذشته و حال) آن‌ها را ابزاری در جهت خدمت به انسان و رشد کرامت‌های والای آن در نظر می‌گیرد (دانش، ۱۳۹۰).

یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های کلان‌جامعه شهری، ساخت فضایی شهر است که به بررسی الگوهای کاربری اراضی، فرم، شکل و طرح حوزه‌های شهری، ترتیب فضایی عناصر و فعالیت‌ها و اجزای ترکیب‌دهنده شهرها و ارتباط و پیوستگی آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. در واقع ساختار فضایی شهر در نتیجه آرایش و چیدمان پدیده‌ها و فعالیت‌ها در سطح شهر به‌وجود می‌آید. توزیع فضایی پدیده‌ها در شهر در یک فرایند فضایی صورت می‌گیرد که حاصل تصمیمات انسانی است (عزت‌پناه، ۱۳۸۸: ۲۲).

ساخت شهر به معنای طراحی کالبدی و استخوان‌بندی شهر و نیز الگوی کاربری اراضی است و در مطالعه ساخت شهر، سیاست‌های رشد و توسعه شهری، حمل‌ونقل درون‌شهری، مسئله مسکن و الگوی ریخت‌شناسی شهر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین عملکردهای مختلف شهری شامل عملکرد مذهبی، اداری، تجاری و حمل‌ونقل در بررسی ساخت شهر مدنظر است؛ به‌عبارت‌دیگر، ساخت شهر به شکل کالبدی و عملکردی سکونتگاه‌ها پرداخته و چارچوبی برای کاربری اراضی و ترتیب فضایی عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شهرها پدید می‌آورد. همچنین ساخت شهر توسط سیمای طبیعی، خطوط راه‌آهن، شبکه‌ها و

مطالعات خارجی نیز به یک اصل کلی می‌توان اشاره کرد که غالب آن‌ها بر مطالعه بر روی شهرهای عربی تمرکز داشته و از پرداختن به شهرهای حوزه فرهنگ ایرانی به‌صورت مستقل یا شهرهای اسلامی شرق و جنوب‌شرقی آسیا غفلت کرده‌اند. باین‌حال، به‌غیر از چند مورد خاص که ارتباط موضوعی صد درصد و مستقیمی ندارند، مطالعه جامع و مستقلی بر روی موضوع هویت ایرانی-اسلامی شهرهای کشور و تأثیرات الگوهای توسعه شهری و ضوابط شهرسازی بر آن صورت نگرفته‌است. مقاله حاضر قصد پُر کردن خلأ این حوزه مطالعاتی را دارد.

#### ب- ادبیات نظری تحقیق

شهر اسلامی، شهری است که در آن احکام اسلامی جاری باشد و براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده‌باشد. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابد (ایازی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در تعریفی دیگر، شهر اسلامی شهری است که براساس مبانی و آموزه‌های مطابقی و التزامی قرآن و روایات بنا شده‌باشد (شکرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶). شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن نمود پیدا کرد تا به نیازهای ابتدایی جوامع تازه‌مسلمانان پاسخ دهد. پس از آن با نضج و استحکام فرهنگ اسلامی و گسترش حیطه آن، نیاز به ساخت مستحدثات جدید افزایش یافت. شهرهای گذشته گسترش پیدا کردند و شهرهای جدید نیز در نواحی مختلف برپا شدند. با پراکنده‌شدن نوای وحدت‌گرایی اسلام، شهرهای اسلامی نیز جلوه‌ای حقیقی و معنوی یافتند و با رعایت اصولی همچون رعایت سلسله‌مراتب، حریم خصوصی، نظم و تعادل در کالبد پیچ‌درپیچ، سعی در هم‌سازی با این فرهنگ

۱. سرزندگی: تداوم کارکردهای حیاتی و برآورد نیازهای زیستی انسان‌ها، دارای سه ویژگی ادامه بقا انسان، برخورداری از ایمنی و برقراری سازگاری فیزیکی میان او و محیط زندگی.

۲. معنی: این محور توانایی همخوانی محیط با توانایی‌های احساسی، ذهنی و ساختارهای فرهنگی انسان را مطرح می‌کند. ساختار و هویت مظاهر عینی معنی هستند.

۳. تناسب (سازگاری): به معنای احساس توانایی محیط برای وقوع فعالیت که انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری از ارکان اصلی آن هستند.

۴. دسترسی: شامل کمیت و گوناگونی عناصری که می‌توان به آن‌ها دسترسی داشت.

۵. نظارت و اختیار: به مفهوم امکان تصمیم‌گیری انسان‌ها برای چگونگی شکل‌گیری مکانی فضاها و فعالیت‌ها است.

دو فرامعیار لینچ نیز عبارت‌اند از:

- کارایی: عامل متعادل‌کننده‌ای که میزان دستیابی به هر یک از محورهای اصلی را در شهر خوب معلوم می‌دارد.

- عدالت: به معنای چگونگی پراکنش کیفیت‌ها برای ایجاد برابری میان ساکنان یک شهر در کسب کیفیت‌های یادشده (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۸۸).

راجر ترانسیک برای فایق‌آمدن بر مشکل طراحی شهری به‌طور عام ضرورت استفاده یکپارچه و تلفیق سه تئوری ارتباط، شکل زمینه و مکان را ضروری می‌داند. او برای فایق‌آمدن بر معضل فضاها گمشده شهری به‌طور خاص توجه به ۵ کیفیت را لازم می‌داند (گلکار، ۱۳۸۰: ۴۴):

حفظ تسلسل حرکت‌ها (ایجاد ارتباط)، محصوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، ممزوج کردن فضاها درون و بیرون (Trancik, 1986). مایکل ساوت‌ورث از دانش‌آموختگان برجسته مکتب لینچ، در چارچوب بازبینی تعدادی از برنامه‌های

خیابان‌ها مشخص می‌شود و اساس نظریه‌های ساخت شهر این است که سکونتگاه‌ها باید مطابق با یک طرح کلیه شبکه‌ها، دسترسی‌ها و فضاها لازم برای کاربری‌ها و فعالیت‌های اصلی در آن مشخص شده باشند، ساخته شوند؛ بنابراین اگر همه اجزا و عناصر یک شهر را مدنظر قرار دهیم و رابطه نسبتاً ماندگار بین آن‌ها مورد توجه باشد، به مفهوم «ساخت شهر» می‌رسیم (برزگر، ۱۳۸۲: ۲۶) که از یک سو، نماینگر هماهنگی فضای کالبدی شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر، گویای چگونگی روابط فعالیت‌های اصلی شهر است (شماعی، ۱۳۸۴: ۸۰).

اصولاً فضاها شهری مانند هر پدیده‌ای در جهان هستی دارای مؤلفه‌هایی است که در سه مؤلفه فرم، عملکرد و معنا خود را نشان داده و نشانگر کیفیت طراحی آن‌ها هستند. نظریات مختلفی درباره کیفیت‌های طراحی شهری مطلوب وجود دارد که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جین جکوبز در سال ۱۹۶۱ در کتاب خود، زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا، ۵ معیار را به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای طراحی با کیفیت محیط ارائه کرد:

- ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط  
- استفاده از کاربری مختلط چه به‌لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های گوناگون در یک ناحیه

- توجه به عنصر خیابان

- نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت

- اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیر بودن فضاها (Jacobs, 1961).

کوین لینچ با انتشار تئوری شکل خوب شهر در سال ۱۹۸۱ میلادی، حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به‌تبع آن، ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو ۵ معیار و دو فوق معیار زیر اعلام کرد:

شهری به دریافت های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد. در نهایت مؤلفه زیست محیطی کیفیت طراحی شهری در بُعد خرد آن دربرگیرنده مقولاتی چون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (چون آفتاب، جریان باد، سایه گیری) و در بُعد کلان، دغدغه پایداری زیست محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از محیط طبیعی ارتباط دارد (به نقل از: گلکار، ۱۳۸۰: ۵۵).

### مواد و روش ها

در این پژوهش، با توجه به موضوع و هدف تحقیق، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. به منظور گردآوری اطلاعات برای کسب بینش نظری لازم و بررسی ادبیات موضوع از شیوه کتابخانه ای با استفاده از کتب و مقالات و اساس نامه ها و نیز مراجعه به اطلاعات اینترنتی استفاده شده و برای کسب اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه با سؤالات بسته در قالب لیکرت با گویه های پنج گزینه ای استفاده شد. این پرسشنامه بین تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان مسائل شهری، ۸ نفر از مجموعه شهرداری تبریز، ۵ نفر از کارمندان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تبریز و ۳ نفر از مجموعه اداره راه و شهرسازی تبریز توزیع شد تا وزن معیارهای سه گانه فرم، عملکرد و معنا و زیرمعیارهای آنها و همچنین نحوه ارتباط بین زیرمعیارها و میزان اثرگذاریشان با استفاده از مدل تحلیل شبکه ای ANP و بر مبنای مقایسه زوجی محاسبه شود. گزینه های پرسشنامه ها و وزن هر کدام نیز عبارت بودند از: خیلی کم (۱)، کم (۳)، متوسط (۵)، زیاد (۷)، خیلی زیاد (۹). سپس مجموعه یافته ها در راستای هدف مورد نظر، توسط مدل تحلیل شبکه ای به منظور شناسایی و سنجش میزان تحقق یافتگی عناصر شهر ایرانی - اسلامی تبریز رتبه بندی شده اند.

طراحی شهری آمریکا، کیفیت های طراحی شهری را در قالب ۷ مؤلفه در مقاله ای با عنوان «تئوری و عمل طراحی شهری معاصر» به این شرح دسته بندی می کند (گلکار، ۱۳۸۰: ۴۵):

ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دیدها و مناظر، مقیاس انسانی یا پیاده (Southworth, 1996). براساس مطالعه ای که درباره مسائل کیفی شهر لندن توسط کمیته مشورتی برنامه ریزی لندن صورت گرفته است، گزارشی با عنوان «کیفیت محیط شهری لندن» در سال ۱۹۹۳ میلادی انتشار یافت که متضمن مجموعه معیارهایی است که می توانند ضامن ارتقاء کیفیت شهری باشد. براساس پیشنهادهای گزارش مزبور، کیفیت محیط شهری در گرو فراهم بودن معیارهای زیر است (همان):

۱- مقیاس انسانی و فشردگی بافت شهر، ۲- ساختار مناسب خوانایی و هویت، ۳- پاکیزگی و ایمنی، ۴- مدیریت شهری مطلوب، ۵- غنای بصری، ۶- کاربری و فعالیت های مختلط، ۷- وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص، ۸- سهولت حرکت پیاده و سواره (LPAC, 1993).

براساس مدل مکان پایدار کوروش گلکار، از ترکیب ابعاد چهارگانه محیط شامل کالبد، فعالیت، تصورات و اکوسیستم، سه مؤلفه: کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی - زیباشناختی و کیفیت زیست محیطی به مثابه نیروهای شکل دهنده کیفیت کلی طراحی شهری یک مکان استنتاج می شوند (گلکار، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۴).

مؤلفه عملکردی کیفیت طراحی شهری از یک سو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده ها و سواره ها به مراکز جاذب شهری بوده و از سوی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگر چون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون و مانند آن بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر شوند. مؤلفه تجربی - زیباشناختی کیفیت طراحی



### روش فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP)

مدل تحلیل شبکه (ANP) تعمیم روش AHP بوده که در آن برای ارزیابی و اولویت‌بندی پروژه های شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدل بر مبنای فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی طراحی شده و «شبکه» را جایگزین «سلسله‌مراتب» کرده‌است. فرایند تحلیل شبکه روش جامع و قدرتمندی برای تصمیم‌گیری دقیق با استفاده از اطلاعات تجربی یا قضاوت‌های شخصی هر تصمیم‌گیرنده در اختیار گذاشته و با فراهم کردن ساختاری برای سازماندهی معیارهای متفاوت و ارزشیابی ارجحیت و اهمیت هر یک از آن‌ها نسبت به گزینه‌های فرایند تصمیم‌گیری را آسان‌تر می‌کند (کیانی و سالاری، ۱۳۹۱: ۱۵۴). فرایند تحلیل شبکه چون حالت عمومی AHP و شکل گسترده آن است؛ بنابراین همه ویژگی‌های مثبت آن از جمله سادگی، انعطاف‌پذیری، به‌کارگیری معیارهای کمی و کیفی به‌طور همزمان و قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها را دارا بوده‌است و اضافه بر این، می‌توان ارتباطات پیچیده بین عناصر تصمیم را با به‌کارگیری ساختار شبکه‌ای به جای ساختار سلسله‌مراتبی در نظر گیرد (زبردست، ۱۳۸۹: ۸۰).

ساعتی<sup>۱</sup> استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی AHP را برای حل مسائل با معیارها و آلترناتیوهای مستقل پیشنهاد کرده و برای حل مسائل با معیارها و آلترناتیوهای وابسته به هم مدل تحلیل شبکه‌ای را پایه‌ریزی کرده‌است (Lee & Kim, 2000). رویکرد گام‌به‌گام روش فرایند تحلیل شبکه‌ای یکی از رویکردهای این روش برای حل مسائل است. این رویکرد با انجام ضرب ماتریسی مسئله را حل می‌کند. رویکرد گام‌به‌گام، حل مسئله را با دو بخش اصلی پیش

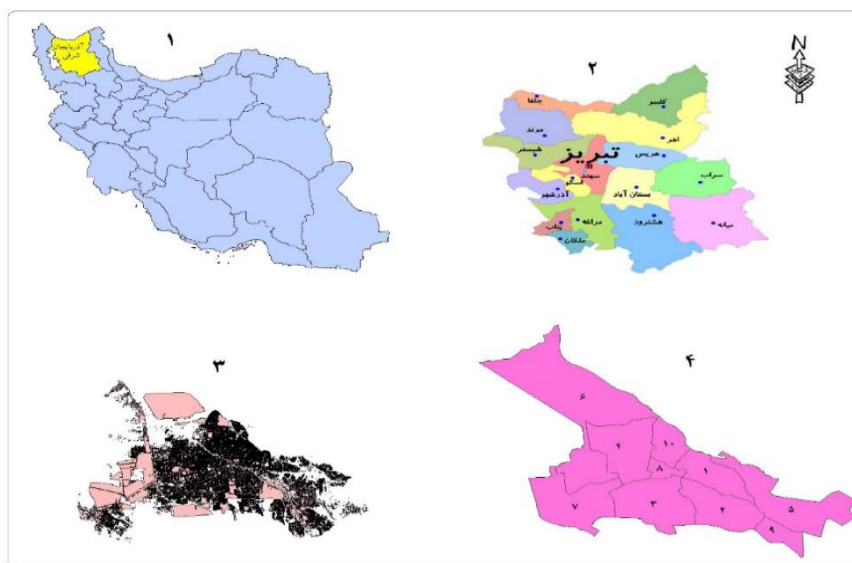
خواهد برد. در بخش اول معیارهای مسئله و در بخش دوم، گزینه‌های مسئله رتبه‌بندی خواهند شد. فرایند مدل‌سازی شامل مراحل زیر است که به‌ترتیب عبارت‌اند از؛ گام اول: پایه‌ریزی مدل و ساختار مسئله؛ گام دوم: ماتریس مقایسات زوجی و برآورد وزن نسبی؛ گام سوم: تشکیل سوپر ماتریس اولیه؛ گام چهارم: تشکیل سوپر ماتریس وزنی؛ گام پنجم: محاسبه بردار وزنی عمومی (Ertay et al, 2006).

### معرفی محدوده مورد مطالعه

تبریز یکی از کلان‌شهرهای بزرگ کشور در استان آذربایجان شرقی واقع شده‌است. موقعیت جغرافیایی این شهر در ۳۸ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی است و متوسط ارتفاع شهر حدود ۱۴۶ متر از سطح دریاهای آزاد برآورد شده‌است. براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، کلان‌شهر تبریز حدود ۱۵۵۸۰۰۰ نفر جمعیت و مساحت آن براساس آخرین مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی ایران ۲۵۰۶۰ هکتار بوده‌است.

کلان‌شهر تبریز از جمله شهرهای کشور محسوب می‌شود که عناصر و ساختار کالبدی آن علاوه بر شرایط جغرافیایی، از الگوهای شهر ایرانی-اسلامی تبعیت کرده‌است. بازار تاریخی سرپوشیده تبریز به‌همراه مسجد جامع و ارگ دولتی از جمله عناصری هستند که در مرکز شهر واقع شده و به سبک شهرهای اسلامی ارتباط تناتنگی با همدیگر دارند. علاوه بر این، تبریز از عناصر فضایی دیگری همچون، مدارس، عمارت‌ها، پل‌ها، قهوه‌خانه‌ها، کاروان‌سراها، دروازه‌ها، حمام‌ها و... برخوردار بوده‌است که قسمتی از این مراکز همگام با تحولات دوران مدرنیسم، یا تغییر شکل و فرم داده‌اند یا عملکرد و معنای آن‌ها تغییر یافته‌اند.

1. Saaty



شکل ۱. موقعیت کلان شهر تبریز در استان آذربایجان شرقی و ایران

(منبع: نگارندگان، ۱۳۸۹)

دیوان خانه گسترده و سربازخانه‌ها و مراکز نظامی پیرامون هسته مرکزی شهر (صفامنش و دیگران، ۱۳۷۶: ۳۳).

عناصر و ساختار کالبدی شهر تبریز، ضمن تأثیرپذیری از شرایط جغرافیایی، از الگوی شهرهای ایرانی-اسلامی تبعیت می‌کرد. عمده عناصر مرکز شهر عبارت بودند از: بازار، مسجد جامع و دیوان خانه یا ارگ که در مرکز شهر جای داشتند و در پیوند تنگاتنگ با هم بودند. مهم ترین عنصر شهری تبریز تا این دوره بازار بود؛ به طوری که بزرگ ترین بازار سرپوشیده سنتی خاورمیانه را در خود جای داده بود (جوادی، ۱۳۵۰: ۱۵۳). سمت غربی بازار، مسجد جامع قرار داشت و مدارس دینی در پیرامون آن بنا شده بود. در سمت جنوب شرق بازار، دیوان خانه و عالی قاپو و جبهه خانه قرار داشت که قصرهای شاهی، حرم خانه، چاپارخانه و غیره را در خود جای داده بود. در کل مرکز شهر، بازار، دیوان خانه و مسجد جامع با هم مجموعه ای را تشکیل می دادند که اکثر کاربری ها را در خود داشتند. این مجموعه برای خود برج و بارو داشت و محلات در بیرون برج و بارو بود و در بعضی

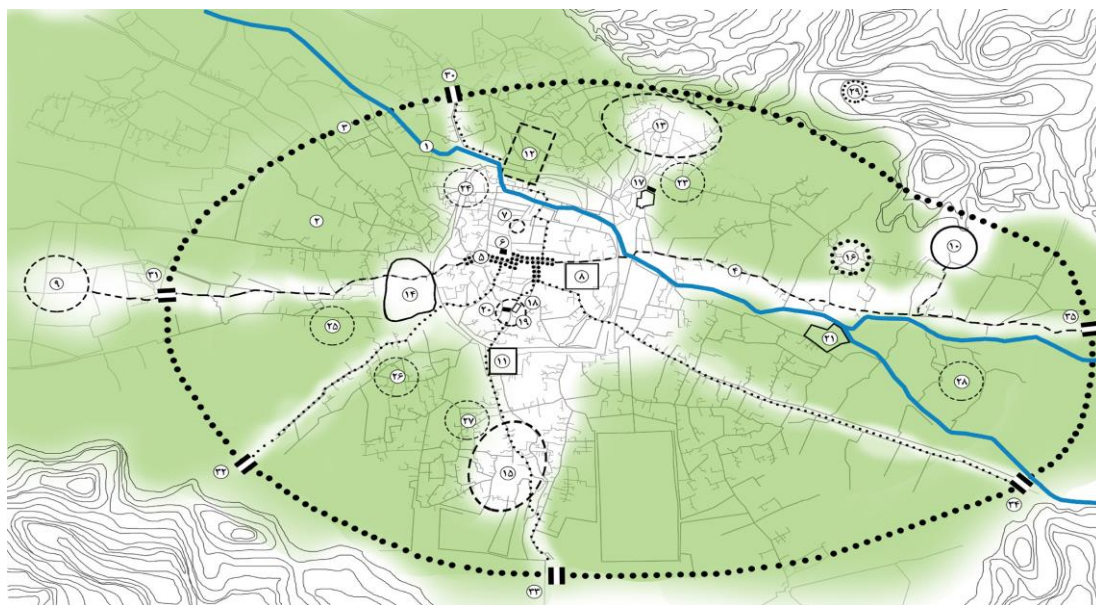
برای بررسی نحوه توسعه ساختار فضایی شهر تبریز بایستی به شناخت عناصر اصلی شهرهای ایرانی-اسلامی مراجعه کرد. شهرهای دوره اسلامی مانند دوران پیش از اسلام در ایران، از سه بخش اصلی به نام های کهن دژ، شارستان و ربض تشکیل می شدند. کهن دژ بخش حکومتی، مقر حاکم و برخی نهادهای حکومتی بود که عمدتاً در وسط شهر و روی تپه ای طبیعی بنا می شد تا از نظر دفاعی در وضع مناسبی قرار داشته باشد. کیاخره عنوانی بود که پیش از اسلام به این بخش اختصاص داشت. ربض یا حومه، حوزه پیرامونی کهن دژ و شارستان بود. مزارع، باغات و روستاها فضاهای اصلی در ربض به شمار می رفتند. شارستان یا شهرستان به بخش اصلی شهر که محل زندگی مردم بود اطلاق می شد.

تبریز نیروی حیاتی خود را به طور عمده از سه عامل رونق بازرگانی و مرکزیت نظامی و سیاسی کسب می کرده است و این امر معلول موقعیت جغرافیایی این شهر از لحاظ ارتباط دادن ایران و آسیا با روسیه، عثمانی و اروپا بود. بازتاب کالبدی سه عامل یادشده را در پیکر شهر نیز آشکارا می توان دید: بازاری بزرگ و ثروتمند،

به‌همین ترتیب. هسته مرکزی شهر (بازار، مسجد جامع و دیوان‌خانه) و قسمت‌هایی از محلات در درون برج و بارو قرار گرفته‌بود. البته، باید توجه داشت در دوره‌های رونق و توسعه شهر در بعضی از دوره‌ها، کل شهر داخل برج و بارو بود. در دوره قاجار ارگ شهر دو تا بود: یکی در مرکز شهر، جنوب‌شرق بازار و دیگری کنار برج و بارو، در سمت جنوب شهر همچنین به‌جز مقبره‌الشعرا (بقعه سید حمزه) تقریباً تمام قبرستان‌های شهر بیرون از برج و بارو قرار داشتند (همان: ۳۵).

از دوره‌ها محلات نیز داخل برج و بارو قرار می‌گرفتند. این مجموعه، کارکرد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. ساخت‌وساز این محوطه، مجموعه‌سازی بود و ساختمان‌سازی منفرد در این محوطه وجود نداشت. این محوطه را می‌توان به اسم (کهندژ) نیز نام برد. بخش دوم شهر که به اسم شارسنجان نیز خوانده می‌شد، در پیرامون محوطه مرکزی شهر توسعه می‌یافت. این بخش مجموعه محلات را شامل می‌شد. قسمت عمده مرکز شهر تبریز جزء محله چهارمنار محسوب می‌شد و تنها بخش کوچکی از محدوده درون بازار در لبه‌های شمالی، جزء محله شتربان، شرقی جزء محله سرخاب، غربی جزء محله ویجویه و جنوب‌غربی جزء محله مهاده مهین به حساب می‌آمد. در ساختار کالبدی شهر تبریز هر چند که نمی‌توان مرزبندی مشخصی برای محلات تعیین کرد؛ اما با مطالعه دقیق شهر و نه محله، قابل‌شناسایی است که هر محله همه کاربری‌ها و عناصر را در خود داشت و در سطح محله‌ای خدمات ارائه می‌داد و تا حدودی بی‌نیاز از محلات اطراف بود؛ به‌طوری‌که اکثر آن‌ها دارای حمام، مسجد، بازار، قبرستان و... بوده‌اند و همچنین می‌توان کوی ارمنستان از محله مهاده‌مهین را گتوی ارمنی‌نشین شهر تبریز محسوب کرد (یزدانی و پوراحمد، ۱۳۸۶: ۳۴).

شبکه ارتباطی شهر به‌صورت پیچ‌درپیچ بود و رشد ارگانیک و وضعیت دفاعی زمانه را به رخ می‌کشید. مهم‌ترین راه‌ها که استخوان‌بندی اصلی شهر را تشکیل می‌داد، یکی راه واصل از دروازه خیابان به دروازه شتربان بود که بین قاره آسیا به اروپا (جاده) ابریشم واقع شده‌بود که از سمت جنوب‌شرق شروع و در انتها از سمت شمال شهر خارج می‌شد و دیگری میان دروازه گجیل و دروازه باغ‌میشه بود که از سمت شرق به سراب و از غرب به مراغه می‌رسید. این خیابان‌ها به‌طور نامنظم بودند و بقیه خیابان‌ها نیز



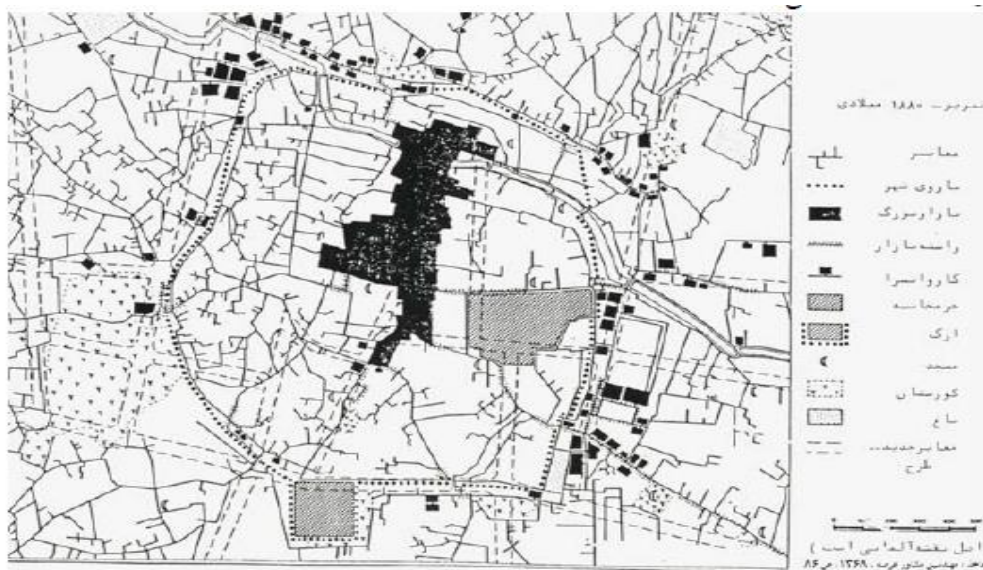
شکل ۲. سازمان فضایی شهر تبریز در قرن ۷ و ۸ هـ ق

(منبع: منصوری و محمدزاده، ۱۳۹۶: ۲۵)

۱- میدان چای (مهران رود)؛ ۲- باغ‌های داخل باروی غازانی؛ ۳- باروی غازانی؛ ۴- محورهای اصلی شهر؛ ۵- بازار غازان؛ ۶- مسجد جامع؛ ۷- مقبره امیر وهسودان؛ ۸- دولتخانه کهن؛ ۹- شنب‌غازان؛ ۱۰- ربع رشیدی؛ ۱۱- مسجد جامع علیشاه؛ ۱۲- باغ صاحب‌آباد؛ ۱۳- گورستان سرخاب؛ ۱۴- گورستان گجیل؛ ۱۵- گورستان چرنداب؛ ۱۶- گورستان قله؛ ۱۷- بقعه سید حمزه؛ ۱۸- میدان کهنه؛ ۱۹- مجموعه علائیه؛ ۲۰- مسجد استاد شاگرد؛ ۲۱- عمارت دمشقیه؛ ۲۲- محله سرخاب؛ ۲۳- محله سنجران؛ ۲۴- محله کوچه باغ؛ ۲۵- محله گازران؛ ۲۶- محله چرنداب؛ ۲۷- محله بیلان‌کوه؛ ۲۸- مقبره عینعلی زینعلی؛ ۲۹- دروازه شروان؛ ۳۰- دروازه شام؛ ۳۱- دروازه سردرود؛ ۳۲- دروازه اوجان؛ ۳۳- دروازه سراورود؛ ۳۴- دروازه اهر

مدت اندکی قسمت عمده‌ای از باغات اطراف شهر تخریب شده و تعداد زیادی از روستاهای پیرامون به بافت جدید افزوده شده دوگانگی کالبدی را تشدید کردند. با شروع مهاجرت‌های روستایی، طرح‌های آماده‌سازی زمین و احداث شهرک‌های مسکونی همچون ولیعصر و زعفرانیه و خانه‌های سازمانی و آپارتمانی در شهرک‌های باغمیشه و یاغچیان یکی پس از دیگری احداث شدند. ساخت فرودگاه، راه‌آهن، تراکتورسازی، ماشین‌سازی، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مجتمع‌های تجاری، پارک‌ها و مراکز تفریحی، استادیوم‌های ورزشی و کافی‌شاپ‌ها و... همگی در دهه‌های اخیر به‌عنوان عناصر مدرن شهرسازی جایگزین عناصر کالبدی قدیمی شهر تبریز شده‌اند.

در دوران معاصر شهر تبریز مانند سایر شهرهای کشور، تحت تأثیر اقدامات شبه‌مدرنیستی رضاخان با تغییرات قابل‌چشمگیری در بافت سنتی‌اش مواجه شد. خیابان‌کشی‌های گسترده، تخریب گورستان‌ها و تبدیل آن‌ها به باغات، برداشتن دروازه‌های شهری، احداث میادین، ساخت عمارت‌های بزرگ (همچون شهرداری، استانداری، بانک ملی، شهربانی و دارایی)، شکل‌گیری محلات حاشیه‌نشینی حاصل عملکرد دولت پهلوی تا قبل از اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ است. تحولات اساسی در ساخت فضایی و کالبدی تبریز با برنامه اصلاحات ارضی و تبدیل شدن تبریز به یکی از قطب‌های رشد کشور و همچنین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور و طرح‌های جامع شهری شروع شد و در



شکل ۳. نقشه شهر تبریز در سال ۱۳۶۰  
(منبع: طرح جامع تبریز)

دانشگاهی شناسایی شده و سپس پرسشنامه‌ای مبتنی بر وزن‌دهی زوجی معیارهای سه‌گانه فرم، عملکرد و معنا و ۱۷ زیرمعیار در زمینه کیفیت طراحی شهرسازی ایرانی-اسلامی توسط آنان پُر شد و در ادامه نتایج پرسشنامه از طریق روش فرایند تحلیل شبکه (ANP) مورد ارزیابی قرار گرفت.

براساس داده‌های جدول ۱، زیرمعیارهای زیبایی بصری، هویت و حس تعلق، کارآیی، ارزش‌های معمارانه و خوانایی به ترتیب با وزن نهایی ۰,۶۴۹، ۰,۴۸۹، ۰,۳۵۷، ۰,۲۷۸ و ۰,۲۶۳ دارای بیشترین وزن نهایی هستند. در مرحله بعدی تحقیق، با در نظر گرفتن ارتباطات و وابستگی‌های درونی متقابل معیارها و زیرمعیارها، مقایسات زوجی میان معیارها و زیرمعیارها با استفاده از جدول مقیاس ۹ کمیتی ساعتی و توسط نرم‌افزار Super Decision ترسیم شد که نمودار آن و نتایج جداول به صورت زیر هستند:

## یافته‌های تحقیق

### نتایج مدل تحلیل شبکه‌ای (ANP)

در این پژوهش نخست شاخص‌های کیفی مؤثر در توسعه شهرسازی ایرانی-اسلامی توسط نخبگان و مسئولان شهری شناسایی و سپس این معیارها اساس مدل (ANP) به صورت زوجی و نیز براساس ارتباطات درونی وزن‌دهی شدند. در ادامه همین معیارها و زیرمعیارها در رابطه با عناصر اصلی ساخت فضایی شهر ایرانی-اسلامی تبریز مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار گرفتند.

### وزن‌دهی معیارها و زیرمعیارهای مؤثر در توسعه

#### عناصر شهرسازی ایرانی-اسلامی با مدل (ANP)

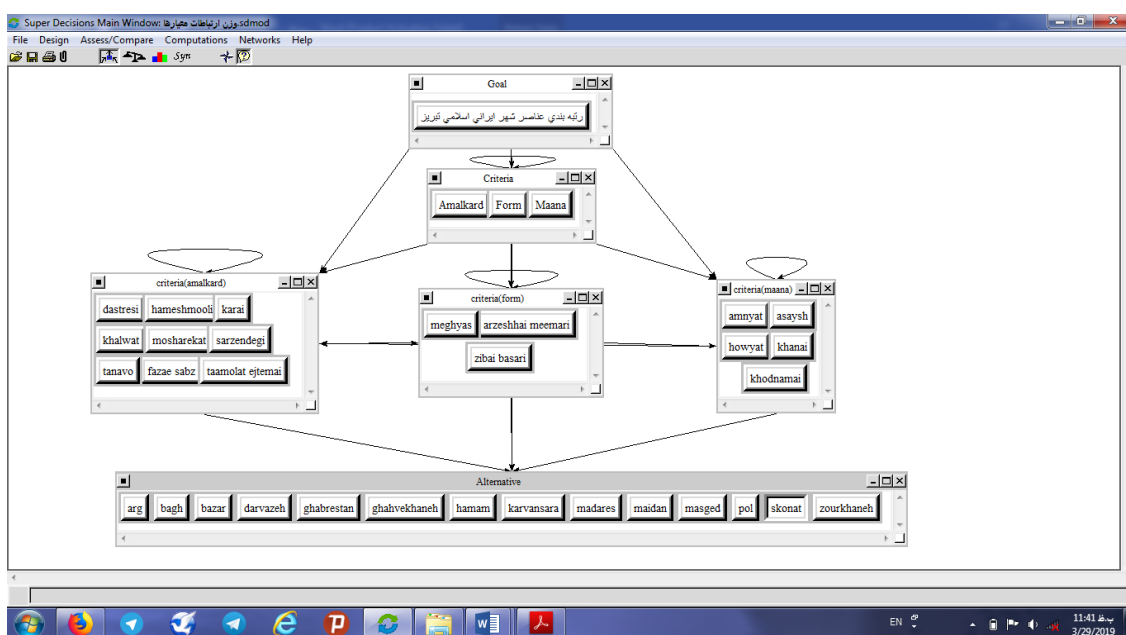
در این پژوهش، نخست تعداد ۲۸ نفر از مدیران و کارشناسان مرتبط با امور شهری، نخبگان شهرداری، کارشناسان میراث فرهنگی، مدیران و فعالان حوزه گردشگری و همچنین متخصصان و صاحب‌نظران

ارزیابی کیفی طراحی عناصر اصلی ساخت فضایی شهر با شهرهای ایرانی-اسلامی (موردشناسی: کلان شهر تبریز)

جدول ۱. وزن دهی معیارها و زیرمعیارهای طراحی شهری براساس مدل تحلیل شبکه‌ای (ANP)

وزن تهایی	معنا											عملکرد					فرم			معیارها
	خودنمایی و دنجی	خوانایی	هویت و حس تعلق	آسایش و آرامش	امنیت	سرزندگی	تنوع	مشارکت	همه‌شمولی	کارایی	فضای سبز	دسترسی	تعاملات اجتماعی	خلوت	مقیاس انسانی	ارزش‌های معمارانه	زیبایی شهری			
۰.۶۴۹	۰.۱۴	۰.۲	۰.۱۴	۵	۵	۰.۱۴	۰.۲	۳	۰.۳۳	۰.۱۴	۷	۵	۲	۹	۷	۳				
۰.۲۷۸	۰.۲	۰.۲۳	۰.۱۴	۳	۵	۰.۱۴	۰.۱۴	۵	۰.۱۴	۹	۳	۵	۷	۵						
۰.۰۷۱	۰.۱۱	۰.۱۴	۰.۱۱	۰.۳۳	۰.۲	۰.۱۱	۰.۱۱	۳	۰.۲	۰.۱۱	۳	۰.۲	۰.۳۳	۰.۳۳						
۰.۰۹۸	۰.۲	۰.۱۴	۰.۱۴	۰.۳۳	۳	۰.۳۳	۰.۳۳	۵	۲	۰.۱۴	۳	۰.۳۳	۰.۳۳							
۰.۱۴۶	۰.۳۳	۰.۲	۰.۳۳	۵	۳	۰.۳۳	۳	۷	۷	۰.۲	۹	۳								
۰.۰۶۷	۰.۱۴	۰.۲	۰.۱۴	۰.۲	۰.۲	۰.۲	۰.۳۳	۳	۳	۰.۱۴	۷									
۰.۰۱۶	۰.۱۱	۰.۱۴	۰.۱۱	۰.۱۴	۰.۲	۰.۱۴	۰.۲	۰.۳۳	۰.۳۳	۰.۱۱										
۰.۲۵۷	۳	۵	۳	۵	۳	۳	۵	۷	۹											
۰.۰۳۴	۰.۱۴	۰.۱۴	۰.۱۱	۳	۰.۳۳	۰.۱۴	۰.۲	۵												
۰.۰۲۲	۰.۱۴	۰.۲	۰.۱۴	۰.۲	۰.۳۳	۰.۱۴	۰.۲													
۰.۰۹۹	۰.۲	۰.۱۴	۰.۲	۰.۲	۰.۱۴	۰.۳۳														
۰.۰۲۷	۰.۱۴	۰.۲	۰.۲	۵	۳															
۰.۰۶۸	۰.۳۳	۰.۱۴	۰.۲	۳																
۰.۰۴۲	۰.۲	۰.۳۳	۰.۱۱																	
۰.۴۸۹	۵	۳																		
۰.۲۶۳	۳																			
۰.۱۳۵																				

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

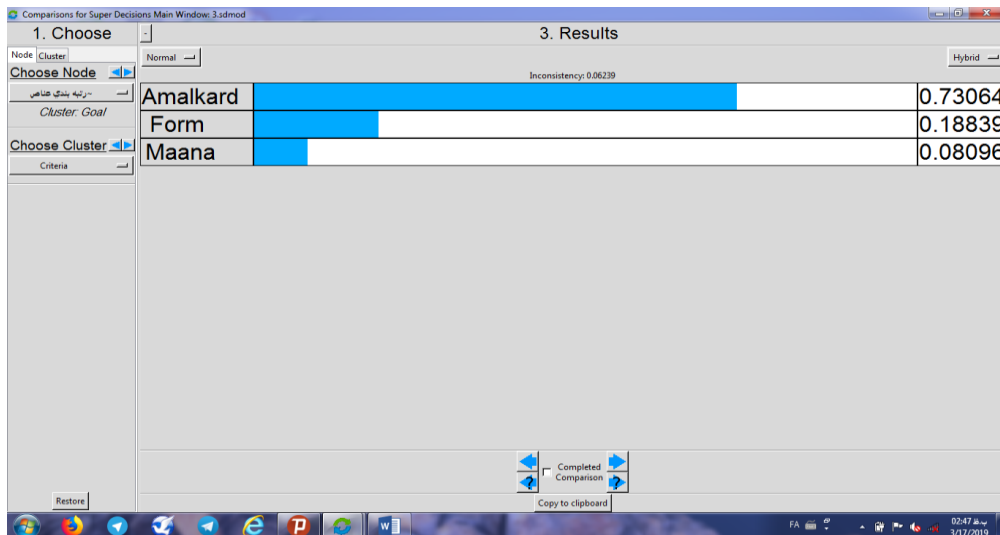


شکل ۴. وابستگی‌های درونی معیارها و زیرمعیارهای طراحی شهرسازی ایرانی-اسلامی براساس مدل (ANP)

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

رده دوم و معیار معنا با ضریب ۰,۰۸۰ در رتبه آخر قرار دارد.

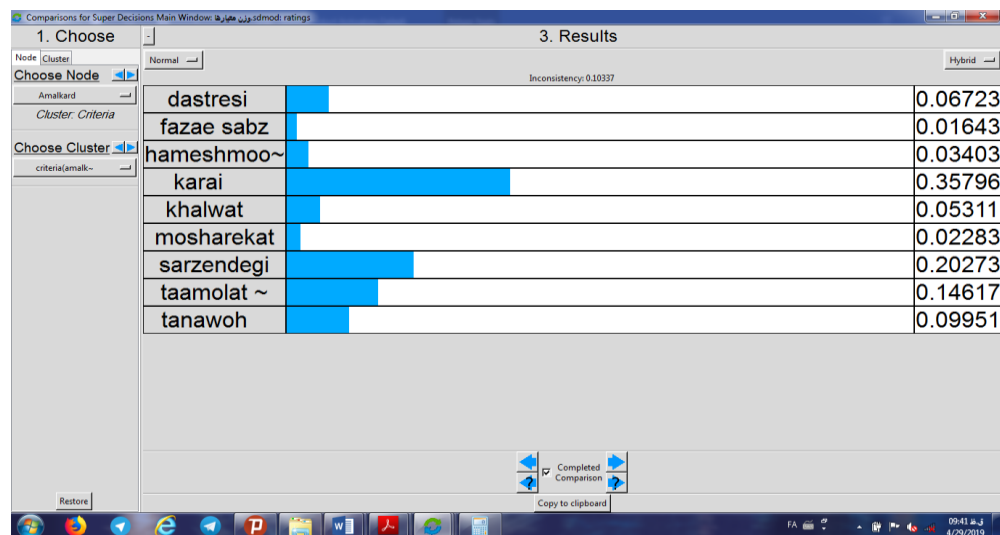
براساس نمودار ۱ که به مقایسه میزان ارجحیت معیارهای اصلی اختصاص دارد، معیار عملکرد با وزن ۰,۷۳۰ بیشترین وزن و سپس معیار فرم با ۰,۱۸۸ در



شکل ۵. میزان ارجحیت معیارهای اصلی شهرسازی ایرانی - اسلامی براساس مدل (ANP)  
(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

در رتبه اول تا سوم ارجحیت و شاخص فضای سبز با وزن ۰,۰۱۶ در رتبه آخر برتری قرار دارد.

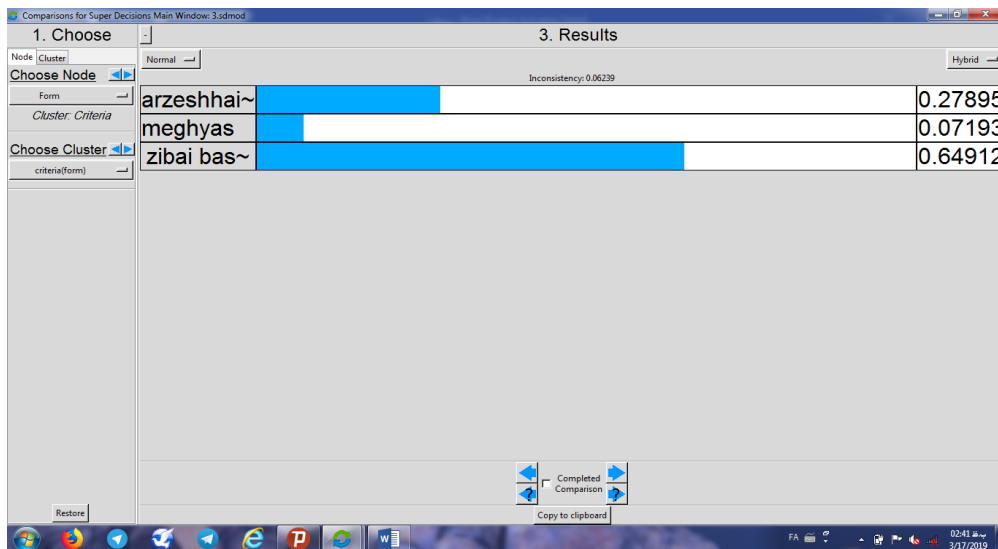
با توجه به محاسبات صورت گرفته در بین زیرمعیارهای مربوط به عملکرد، کارآیی، سرزندگی و تعاملات اجتماعی به ترتیب با ضرایب ۰,۳۵۷، ۰,۲۰۲ و ۰,۱۴۶ و



شکل ۶. میزان ارجحیت زیرمعیارهای عملکرد در شهرسازی ایرانی - اسلامی براساس مدل (ANP)  
(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

انسانی به ترتیب با ضرایب ۰,۲۷۸ و ۰,۰۷۱ در رده‌های بعدی میزان ارجحیت قرار دارند.

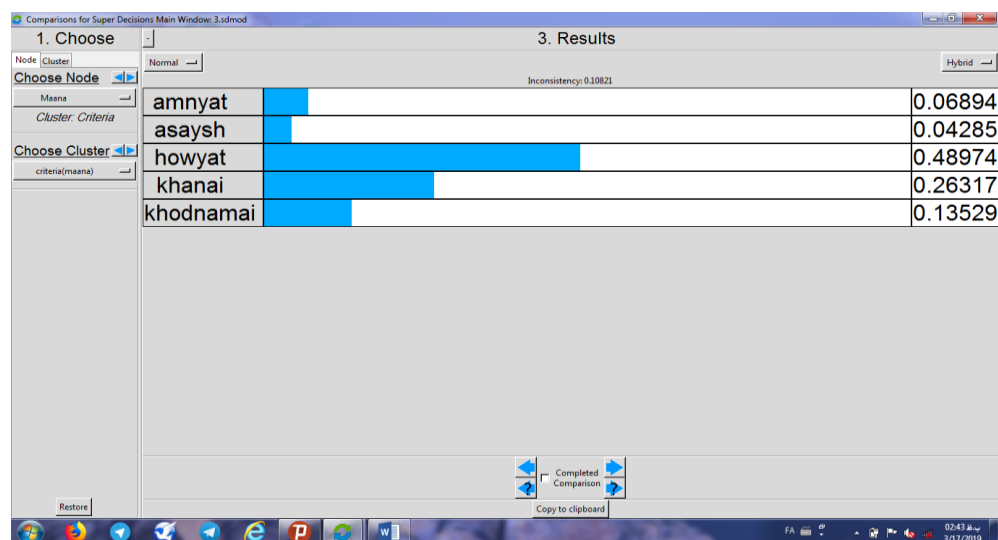
همان طوری که در نمودار مشاهده می‌شود، در بین زیرمعیارهای معیار اصلی فرم، زیبایی بصری با ضریب ۰,۶۴۹ در رتبه اول و ارزش‌های معمارانه و مقیاس



شکل ۷. میزان ارجحیت زیرمعیارهای فرم در شهرسازی ایرانی-اسلامی براساس مدل (ANP)  
(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

۰,۶۴۹ بیشترین رتبه و معیار مقیاس انسانی با وزن ۰,۰۷۱ کمترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

براساس داده‌های به دست آمده در مدل ANP در بین زیرمعیارهای سه گانه فرم طراحی عناصر شهرسازی شهر ایرانی-اسلامی، معیار زیبایی بصری با ضریب



شکل ۸. میزان ارجحیت زیرمعیارهای معنا در شهرسازی ایرانی-اسلامی براساس مدل (ANP)  
(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)



### ارزیابی و رتبه‌بندی نحوه توسعه کیفی عناصر شهرسازی ایرانی-اسلامی شهر تبریز با استفاده از مدل ANP

در این پژوهش برای ارزیابی نحوه تحولات شاخص‌های شهرسازی ایرانی-اسلامی در شهر تبریز که در سه دسته فرم، عملکرد و معنا و ۱۷ زیرمعیار دسته‌بندی شده‌اند، مهم‌ترین عناصر شهر ایرانی-اسلامی تبریز در ۱۴ گروه شناسایی شدند و سپس میزان تغییرات کیفی آن‌ها در ۴ حالت وزندهی شدند که عبارت‌اند از: از بین‌رفته‌اند (نمره ۱)؛ تضعیف شده‌اند (نمره ۲)؛ بی تفاوت ثابت مانده‌اند (نمره ۳)؛ ارتقاء یافته‌اند (نمره ۴).

نتایج نمودار حاکی از آنست که در بین زیرمعیارهای معنا در شهرسازی ایرانی-اسلامی، زیرمعیار هویت و حس تعلق با وزن ۰,۴۸۹ بیشترین ارجحیت و برتری را در میان زیرمعیارهای مربوط داشته‌است و بعد از آن معیار خوانایی با وزن ۰,۲۶۳ در رده دوم و معیار آسایش با وزن ۰,۰۴۲ در رتبه آخر قرار دارد.

جدول ۲. ارزیابی نحوه توسعه کیفی عناصر اصلی ساخت شهرسازی ایرانی-اسلامی براساس چک‌لیست شاخص‌های کیفی در شهر تبریز

معنا		عملکرد											فرم			شاخص‌ها عناصر	
خوانایی	خودنمایی و دنجی	هویت و حس تعلق	آسایش و آرامش	امنیت	سرزندگی	تنوع	مشارکت	همه‌شمولی	کارآیی	فضای سبز	دسترسی	تعاملات اجتماعی	خلوت	مقیاس انسانی	ارزش‌های معماری	زیبایی بصری	عناصر شهری اسلامی-ایرانی
۲	۲	۳	۳	۳	۲	۲	۳	۲	۳	۳	۲	۴	۳	۴	۴	۴	کاروانسراها
۴	۳	۳	۴	۳	۲	۳	۳	۳	۴	۳	۲	۳	۳	۳	۴	۴	مساجد، حسینیه‌ها
۲	۲	۲	۲	۴	۲	۴	۲	۴	۴	۳	۳	۲	۴	۳	۲	۴	قهوه خانه‌ها
۳	۳	۳	۳	۳	۲	۴	۲	۳	۴	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۴	زورخانه‌ها
۴	۲	۲	۲	۲	۲	۳	۱	۳	۳	۲	۳	۲	۴	۱	۲	۲	میادین شهری
۲	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱	۱	ارگ، برج و بارو
۳	۳	۳	۳	۴	۴	۳	۴	۲	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۴	۳	مدارس دینی
۱	۱	۳	۳	۳	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۳	۲	۴	۲	۲	۲	دروازه‌ها
۲	۲	۲	۴	۳	۲	۴	۳	۳	۴	۳	۳	۲	۴	۳	۲	۴	حمام‌های عمومی
۳	۳	۲	۲	۲	۲	۴	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۴	الگوی سکونت محلات
۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۲	۳	۲	۳	باغ‌ها و پارک‌ها
۴	۳	۲	۳	۳	۲	۲	۲	۴	۴	۴	۴	۱	۱	۲	۲	۴	پل‌ها
۴	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۲	۴	قبرستان‌ها و مزار
۳	۳	۳	۴	۳	۴	۴	۳	۳	۴	۳	۳	۲	۴	۲	۲	۴	بازار و بازارچه‌ها
۴۱	۳۷	۳۷	۴۴	۴۵	۳۵	۴۴	۳۸	۴۲	۴۸	۴۴	۴۴	۳۳	۴۷	۳۵	۳۱	۴۷	جمع

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

اسلامی تبریز، وزن نهایی براساس مدل تحلیل شبکه‌ای ارائه شده است که در نهایت مشخص شد که عناصر باغ‌ها، مدارس دینی، بازار و ارگ به ترتیب با وزن‌های نهایی ۰,۰۶۵، ۰,۰۴۶، ۰,۰۴۳ و ۰,۰۳۷ در رتبه‌های اول تا چهارم قرار دارند؛ به عبارتی دیگر، باغ‌ها، مدارس دینی، بازار و ارگ همچنان از نظر کیفیت طراحی شهر از جنبه‌های فرم، عملکرد و معنا از برتری بالاتری نسبت به سایر عناصر برخوردار بوده و سالانه هزاران نفر گردشگر داخلی و خارجی و نیز شهروندان تبریز را جذب کرده‌اند.

نتایج محاسبات جدول حاکی از آن است که سطح شاخص‌های کیفیت محیط همانند زیبایی بصری در فرم، کارایی خلوت، دسترسی فضای سبز و تنوع در عملکرد و امنیت، آسایش و خوانایی در بُعد معنا ارتقا می‌یابد؛ اما شاخص‌های دیگری از کیفیت محیط شهری همانند ارزش‌های معمارانه و مقیاس انسانی در فرم و تعاملات اجتماعی، مشارکت و سرزندگی در عملکرد، هویت، حس تعلق، خودنمایی و دنجی بودن محیط در بُعد معنا تضعیف شده است. در ادامه تحقیق و پس از وزن‌دهی چک‌لیست‌های دودویی طراحی شهری در عناصر شهرسازی ایرانی-

جدول ۳. رتبه‌بندی عناصر اصلی شهرسازی ایرانی-اسلامی در شهر تبریز براساس مدل (ANP)

Graphic	Alternatives	Total	Normal	Ideal	Ranking
	arg	0.0375	0.0912	0.5723	4
	bagh	0.0655	0.1594	1.0000	1
	bazar	0.0439	0.1068	0.6698	3
	darvazeh	0.0173	0.0421	0.2643	12
	ghabrestan	0.0323	0.0786	0.4929	5
	ghahvekhaneh	0.0214	0.0521	0.3268	10
	hamam	0.0239	0.0580	0.3642	8
	karvansara	0.0181	0.0440	0.2760	11
	madares	0.0467	0.1136	0.7126	2
	maidan	0.0123	0.0298	0.1873	14
	masged	0.0280	0.0682	0.4279	6
	pol	0.0244	0.0595	0.3733	7
	skonat	0.0159	0.0388	0.2432	13
	zourkhaneh	0.0238	0.0579	0.3636	9

(منبع: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۸)

می‌توان در خیابان‌کشی‌های مدرن و صلیبی شکل و همچنین تخریب عناصر ساخت شهرها همچون دروازه‌ها، بازار و ارگ و دیوان‌خانه‌ها دید. در مرحله بعدی، عناصر شهرهای ایرانی-اسلامی با تضعیف الگوهای طراحی شهری در زمینه‌های فرم، عملکرد و

### نتیجه‌گیری

با ورود الگوهای مدرنیته غربی به درون شهرهای کشورمان در طول یک قرن گذشته، شاهد ظهور دوگانگی در ساختار شهرسازی ایرانی-اسلامی همچون کلان‌شهر تاریخی تبریز بودیم که آثار اولیه آن را

ملاحظات زیست‌محیطی در عین طراحی و اجرای طرح‌های توسعه شهری، ایجاد مراکزی در سطوح محله، ناحیه و شهر با کاربری‌های مختلط و متنوع متناسب با مقیاس کارکردی مکان در موقع ایجاد محلات مسکونی جدید و یا ساماندهی بافت‌های موجود شهر، تناسب مقیاس کارکردی کاربری‌ها (با توجه به محوریت مساجد، حسینیه‌ها و سایر اماکن مذهبی و همچنین مسیرهای آیینی) با مقیاس و ظرفیت مکان در مکان‌یابی کاربری‌های شهری، محوریت مساجد در طراحی محلات جدید شهری به‌عنوان شاخص‌ترین بنای شهری، ارائه راهکارهای توسعه و ارتقاء کیفی فضاهای شهری به‌منظور افزایش تعاملات اجتماعی و تنظیم جریان حیات مدنی در طرح‌های شهری، ایجاد فضاهای همسایگی و فراهم کردن زمینه‌های کالبدی برقراری تعاملات اجتماعی در طراحی مجموعه‌های مسکونی، تقویت ایجاد نشانه‌های شهری و افزایش خوانایی محیط متناسب با هویت فرهنگی، تاریخی با توجه ویژه به بناهای مذهبی نظیر مساجد، امام‌زاده‌ها، حسینیه‌ها و نیز هویت طبیعی شهر و... تأکید شده‌است که اگر مسئولان شهری کلان‌شهر تبریز این موارد را به همراه ضوابط و شاخص‌های شهرسازی و معماری در طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی و همچنین در طرح‌های جدید توسعه شهری رعایت کنند و نیز ارزش‌های واقعی بافت‌ها و عناصر تاریخی را برای ساکنان و گردشگران شهری توجیه کنند، تا حدود زیادی به بازیابی شهر ایرانی-اسلامی تبریز کمک خواهد کرد.

در پایان تفاوتی که نتایج این تحقیق با سایر یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته درباره الگوهای شهرسازی ایرانی-اسلامی در شهر تبریز دارد، در این است که این پژوهش با تکیه بر اصول کیفی طراحی فضاهای عمومی به ارزیابی و رتبه‌بندی میزان تحقق‌پذیری عناصر اصلی

معنا مواجه شدند و اکثر عناصر و مؤلفه‌های ساخت فضایی شهر یا ثابت ماندند، یا عملکردشان تضعیف شد. در سایر شاخص‌های کیفیت محیط نیز شهرها با تحولات کالبدی وسیعی از ابعاد معنای عناصر و ساختار شهرهای اسلامی همچون هویت و حس تعلق، خودنمایی و خوانایی ناشی از عوامل تأثیرگذار مدرنیستی روبه‌رو شدند.

اگرچه عناصر و فضاهای شهری همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند، اما بایستی توجه داشت که این عناصر تاریخی متعلق به فرهنگ و هویت شهر هستند؛ از این‌رو جا دارد که حفاظت از فرم و شکل این عناصر و تقویت عملکرد و معنای آن‌ها متناسب با نیازهای ساکنان رعایت شود و همچنین در ایجاد فضاهای جدید نیز بایستی به اصول و ضوابط شهرسازی ایرانی-اسلامی با در نظر گرفتن خلاقیت در طراحی و پیشرفت تکنولوژی و صنعت توجه شود.

علاوه بر این، مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری در خصوص ضوابط و شاخص‌های لازم در جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی ایرانی که در سال ۱۳۹۱ در راستای ترویج الگوهای شهرسازی ایرانی-اسلامی تهیه و ابلاغ شده‌است، می‌تواند راهگشای برخی از مسائل و مشکلات طراحی شهری و برنامه‌ریزی فضاهای شهری باشد. در این مصوبه در فرایند تهیه و اجرای طرح‌های معماری بناها و فضاهای شهری و طرح‌های شهرسازی و توسعه شهری بر رعایت مواردی همچون رعایت اصل محرمیت، رعایت اصل نظم و نظام با توجه به بستر طبیعی، فرهنگ و تاریخی شهر، فراهم کردن زمینه‌های مناسب در جهت تغییر نگرش سودآوری اقتصادی به شهر و معماری به‌خصوص در بافت تاریخی شهر، حفاظت و صیانت از بنا و بافت‌های فرهنگی و تاریخی و مکاشفه ارزش‌های پنهان آن‌ها، جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، باغات، منظر شهری و سرانه فضای سبز و همچنین رعایت

عارف اقوامی مقدم. انتشارات طبع و نشر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خدایی، زهرا؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۹۰). شخصیت شناسی شهر اسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۰۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=187834>

جوادی، شفیع (۱۳۵۰)؛ تبریز و پیرامون، تبریز، انتشارات چهر.

دانش، جابر. (۱۳۹۰). مبانی شکل گیری و اصول سازمان یابی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی-اسلامی، سال اول، شماره یکم، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران. صص ۳۱-۱۵.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118448>

زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۹). کاربرد فرایند تحلیل شبکه‌ای ANP در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، نشریه هنرهای زیبا، دانشکده هنر دانشگاه تهران، شماره ۴۱، صص ۷۹-۹۰.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=182890>

شکرانی، رضا. (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی، نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، صص ۲۰۵-۱۵۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=188059>

شماعی، علی؛ احمد پور، احمد. (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صفامنش، کامران، یعقوب رشتچیان و بهروز منادیزاده. (۱۳۷۶). ساختار کالبدی شهر تبریز و تحولات آن در دو سده اخیر. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، ۱۸، صص ۵۳-۳۳.

<http://ensani.ir/fa/article/215085>

عزت پناه، بختیار. (۱۳۸۸). نقش قدرت در ساختار فضایی شهرها (نمونه موردی: شهر سنندج). رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استاد راهنما: محمدباقر قالیباف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

قطبی، علی اکبر. (۱۳۸۷). مفهوم هویت و معماری امروز ایران. آیین خيال، شماره ۱۰، صص ۸۷-۸۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=163022>

و هویتی شهرسازی ایرانی-اسلامی پرداخته‌است و صرفاً به تغییرات و تحولات کالبدی-فضایی یا ارزیابی صرف مردم از فضاها نپرداخته‌است. برای تکمیل نتایج حاصل از این پژوهش، بایستی چهارچوب و ضوابطی اصولی در مقیاس محلی و بومی برای شهرهای تاریخی-فرهنگی مطرح شود که رویکردهای جدید شهرسازی اعم از تئوری‌های توسعه پایدار و حکمروایی مطلوب شهری را به صورت ساختاری و راهبردی به همراه داشته باشد.

## منابع

افشار نادری، کامران. (۱۳۷۵). مشترکات شهرسازی جهان اسلام. فصلنامه مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری (آبادی)، شماره ۲۲، صص ۵۳-۴۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=71161>

ایازی، سید علی نقی. (۱۳۸۷). تبیین اندیشه اسلامی پیرامون شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون دینی، نخستین همایش آرمان شهر اسلامی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، صص ۱۲۱-۱۰۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=188058>

برزگر، محمد رضا. (۱۳۸۲). شهرسازی و ساخت اصلی شهر، شیراز: انتشارات کوشامهر.

پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.

تقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). الگو، مبانی، ارکان، صفات و اصول شهر اسلامی، نشریه فیروزه اسلام، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۸۰-۶۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1138042>

تقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۹). تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۹۴، صص ۷۹-۶۶.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/608896>

حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). شهرهای عربی اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و

پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۱۲۲-۱۱۳.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=127098>

یزدانی، محمد حسین، پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه: تبریز). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۴، صص ۵۲-۲۹.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=69678>

Ertay, T., Ruan, D., Tuzkaya, U.R., 2006, Integrating Data Envelopment Analysis and Analytic Hierarchy for the Facility Design in Manufacturing Systems, Information Science, Volume 176, pp 237-262.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S020025504003391>

Jacobs, Jane (1961), The Death and Life of the Great American Cities, London, Jonathan Cape.

LPAC (London Planning Advisory Committee) (1993), London's Urban Environmental Quality, Tibbalds Colbourne Karaski Williams Monro, Remford.

Lee, L.W., Kim, S.H., 2000, Using Analytic Network Process and Goal Programming for Interdependent Information System Project Selection, Computers and Operation Research, Volume 27, pp. 367-382

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S030505489900057X>

Southworth, M. (1996), Theory and Practice Planning for Quality, London, HMSO.

Trancik, R. (1986), Finding Lost Spaces; Theory of Urban Design, New York, Van Nostrand Reinhold.

کریمیان، حسن. (۱۳۸۹). نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، صص ۱۳۲-۱۱۹.

<http://ensani.ir/fa/article/260921>

کیانی، اکبر؛ سالاری سردری، فرضعلی. (۱۳۹۱). امکان‌سنجی و اولویت‌بندی گردشگری شهرستان کنگان با استفاده از تکنیک SWOT و مدل ANP با تأکید بر گردشگری صنعتی پارس جنوبی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۸ بهار، صص ۱۴۷-۱۷۸.

<http://ensani.ir/fa/article/315016>

گلکار، کورش. (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. فصلنامه صفا، تهران، سال یازدهم، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=33257>

لاندبرگ، دانلد. (۱۳۸۳). اقتصاد گردشگری، ترجمه محمد رضا فرزین، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

جمال محمدی، طاهر پریشادی. (۱۳۸۹). به‌کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری در نواحی مرکزی - تاریخی دچار افت شهری، نمونه موردی: ناحیه مرکزی - تاریخی شهر قزوین، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۷۹-۱۵۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118669>

منصوری، سید امیر، محمدزاده شبنم. (۱۳۹۶). تحولات سازمان فضایی شهر تبریز از اوایل اسلام تا دوره قاجار، فصلنامه باغ نظر، سال چهاردهم/ شماره ۵۱، صص ۳۲-۲۱.

[http://www.bagh-sj.com/article\\_49425.html](http://www.bagh-sj.com/article_49425.html)

مهدوی نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمد رضا؛ خواکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره

